

نفر دوم: نام مه گجینگ سینگ جوانی اس؟

نفر اول: از زندگی شما در افغانستان در کجا افغانستان به دنیا آمدین در کدام مکتب بودین امی زندگی شما ره لایف شماره؟

نفر دوم: مه ده انگلیسی سال 1396 آه 1996 ساری که 1376 مه به دنیا امدم شهر کابل جای ما شوربازار بود سراجی میگن ده کوچه اهنگری میگن... سه نام داره...

So مه ده اونجه ده دنیا امدیم ده خانه باد از او زندگی ما شروع شد از اونجه مه ده مکتب اول ده مکتب بیرقی درس خواندیم که پنج سال ده مکتب بیرقی باد از پنج سال مه ده مکتب بی بی حلیمه دو سال ده اونجه خواندیم باد از او مکتب بند کدیم باد از باز ما یک سال کار کدیم شاگردی کدیم باد از او ده 93 مه پس رای هند رسیدیم از وقتای که جنگا ده 1993 بود که ما از افغانستان برامدیم باد از او همی خلاصه. باز همی شاگردی او وقت...؟ آه مه مه او وقت ما خودما دکانم داشتیم خو مه یاد میگرتم کار بنجارگی کار بنجارگی ره شاگرد شیشته بودم که یاد بیگیرم دکان ما ده دکان خودما متروپل مه یاد نداشتم چون خورد بودم مه گفتم یاد بیگیرم کمی که کارها ره باز ده اونجه تا یاد گرفتم اونجه جنگا شروع شد

نفر اول: باز او وقت درمسال کدام درمسال بود؟

نفر دوم: ما ده ده شوربازار هفتا ششا درمسال بود ما همونجه میرفتیم بری عبادت اسکول پنجابی ام بود مکتب پنجابی ام بود همونجه درس میخواندیم یک ساعت دو ساعت درس های مذهبی پنجابی ره بلی آه.

نفر اول: باز همی پدر شما هم از کابل بود یا نی..؟

نفر دوم: بلی از ما پدر کلان ما ام از کابل بود از پدر کلانم پدر کلانش از کابل بود کلی ما از کابل استیم جای ما از شمالی استیم چاریکار استیم جای ما باغ ما کلی چیزای ما ده شمالی چاریکا است.

نفر اول: باز او وقت مردما داشتید ده چاریکار...؟

نفر دوم: ما وقتیکه ما تولد شدین ما ده هیچ جای نرفتیم ای قصا ره شنیدیم از بابی خود از بابه کلان خود که ما اونجه باغ داریم الی مه رفته نمیتانم مجاهدین اس اونجه اس او وقت مجاهدین میگفتن خو مابین چاریکار راه چاریکار کاریز اس جای ما همونجه الی ام اس میگن خو صحنی ... بلی آه

نفر اول: باز او وقت محیط کابل چطور بود یاد شما است؟

نفر دوم: وقتیکه ما مثال مه وقت ده سال بودم ده ساله بودم همو وقتم موضوعا بسیار خراب بود وقت شوروی بودن کمیکه صحنی بود باد از او شوروی که رفتن مره کمه کی ببرک کارمل یاد است باد از او نجیب الله که امد باز وقت ما خراب شده رفتن حالات ما خراب شده رفتن روز به روز ما مکتب ام بخاطر ایلا دادیم بخاطریکه اونجه جنگا زیاد میشد کتی اوشکا ما ره کافر میگفتن ای چیزا میگفتن که شما هندو کله کندو استین ایطوریکای گپا میزدند از او خاطر ما درس بخاطریکه ایلا دادیم چرایکه مردمای که ایجوکیشن بود او کلیشان وا نبودن او مردمای که دهاتی امدن باز خراب شده رفت افغانستان چونکه مه تا سال هفده ساله بودم ده افغانستان بودم مه بسیار زخمت کشیدم خانه و کلی چیزایما امیالی است لیکن مچم از کی است ما نی یک چیزام نفروختیم اونجه.

نفر اول: باز امیالی ده لندن زندگی میکنید؟

نفر دوم: همو شکر اس ده لندن... بلی شکر اس مه بیست سال اس ده لندن استم زندگی بهترین زندگی اس اونجه کلی چیز اوکی اس everything is perfect .

نفر اول: باز اونجه مه دیدیم که همی سیک های افغانستان اینجه مثلا بسیار افتخار میکنند که از افغانستان...؟

نفر دوم: مام افتخار میکنیم چونکه اگر افغانستان نمیبود ما اینجه نمیبودیم ما پررود میکنیم خود افغانستان استیم ما خو خوده هیچ غایت خوده مه خو هر جای برم معرفی میکنم I am from Afghanistan .

نفر اول: باز یگان مثلا ده اینجه گدواره... باز همو مثلا ده افغانستان بودی البته زیاد دوستا داشتی الی ام با کسی در ارتباط استین؟

نفر دوم: بسیار دوستای مه است یگانتا افغان بسیار دوستای مه اس در مکتب دوستای ما تا بالی بلی...

باز اینجه استند...؟ آه اینجه استند بلی اه همینجه هستند یکی از دوستای مه است بسیار مه همو بسیار پروتکت میكد كابل ده مکتب همینجه استند. باز الی ام دوستی... بلی آه بسیار دوستی داریم.

مه کتی افغانا بسیار کلوز استم از دل بسیار ما کلچر ما چونکه ما همونجه پیدا شدیم کلی چیزای ما همونجه اس ده خانه ما الی ام مثلی افغانا واری میشینیم.

نفر اول: مثلا... مثلی رجایی و ای چیزا کلی چیزا همتور یک چیز استیم. میگن که افغانا اونجه مسلمانا پیسه های خوده میاوردن بر از اونا اهل سیک میدادن...؟

نفر دوم: او وقت ای چی بود که مردم زیاد بانک ها ره سرش اعتبار نمیکدن که پیسه ره ده بانک بانیم پیسه زیادتر امی زیادتر ای چیزا کوچی ها میکدن کوچی ها کار هینگ میکردن و ای چیزا میکردن و پیسه خوده پیشی سردارها میماندن باز همونجه وقت سمر میبود عروسی میامد همونجه تکه میخریدن از همونجه پیسه های خوده میبردن دیگر چیزا میخریدن همطور خو بسیار رواج کهنه بود.

باز ایجه گدواری خودتان...؟ اینجه گدواری افغاناست همینجه که پارک کردین ای گدواره افغاناس بلی اه.

نفر اول: باز همی نان که میخورین نانی مردم افغانستان میخورین اما بعضی چیزا فکر میکنم خودتان...؟

نفر دوم: بلی ها نان نان همطور آش که است از افغانستان اس ما اینجه ام آش میخوریم یگان چیزای پلو چلو ای خو ما الی ام خوش داریم کباب مام خوش داریم ای سیم از افغانستان اس عین چیز اس

باز ده هند که رفتی چی...؟ ده هند خو مجبوری بود ده ساله کشیدیم ده اونجا بودیم ده هند ستلمین شده نتانیستیم ستل شده نتانیستیم چونکه حالات مثل افغانا مسلمانا ده پاکستان رفتن ایران رفتن ده اونجه ستل شده نتانیستند ما ده هند مثالیکه ده ایران بسیار بر افغانای ما بسیار هزل میکردن بسیار سرشان ای چی میکنن مه شنویدیم ای گپا ره در سری افغانا ای چی میکنن عین مثال ده هند سرمام خو ایقه خو پریشر نبود چون که ما سیک بودیم هندو بودیم بت به حساب کار و بار بسیار مجبوری بود سختی بود باز خوده خده میکشه از هر کار.

اونجه کا بار مشکل بود...؟ مه ایکار فلمبرداری ره از هند یاد گرفتم بلی اه ای کار سی سال اس همی
کاره میکن

م باز اینجه مثلا چی رقم کار میکنین عروسی..؟ بلی اه هالی 5 سال پیش مه 80 پرنست عروسی افغانا
بود پیشم الی مه کم کردیم الی از پنجابی هندیست ... افغانا سیک ام... نی از افغانای سیک ام افغانای
افغانم بسیار جالب ... بسیار ای چی کلی بنکتالا مه ره میشناسند ترافی صاحب که است او هم
فلمبردار است هر دویمما فلمبردار استیم

خو بسیار جالب است..بسیار تشکر از شما